

## مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان

### معانی لغوی و اصطلاحی لاسکوی و بررسی عروضی این نوع شعر

پیشکش به دانشمند و اسطوره‌شناس برجسته طبرستانی

استاد ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق

علی اصغر قهرمانی مقبل\* (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

a\_ghahramani@sbu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-0798-5055>

#### چکیده

اغلب فرهنگ‌نویسان بر اساس یک شاهد شعری از دیوان منوچهری دامغانی، لاسکوی را یکی از مدخل‌های خود قرار داده و با اندکی اختلاف در تلفظ واژه، آن را نوعی پرندۀ کوچک و خوش‌آواز معنا کرده‌اند، اما پژوهشگران در قرن اخیر با توجه به ورود آن در معیار *الاشعار* متوجه شده‌اند که این کلمه باید اصطلاحی بوده باشد که بر نوعی شعر با وزنی خاص دلالت داشته باشد. امروزه با در دست داشتن تصحیح جدیدی از دیوان منوچهری و روایت دیگری از بیت مورد نظر و همچنین در دست داشتن دو نمونه برای لاسکوی، می‌توان احتمال داد که اولاً تلفظ آن به صورت لاسکوی (lāsakavī) بوده و آن نوعی شعر بوده است که دو بیت داشته و نه به زبان دری که بر یکی از گویش‌های فارسی و ترجیحاً گویش طبری سروده می‌شده است. همچنین آرایش قافیه آن مانند رباعی و وزن آن هم نزدیک به وزن رباعی بوده، اما به طور کامل از آن پیروی نمی‌کرده است، زیرا نظام عروض کمی بر آن حاکم نبوده است. روش پژوهش در این مقاله روش تاریخی-تحلیلی است.

واژه‌های کلیدی: *الابداع فی العروض*، ابن فرخان کاشانی، لاسکوی، معیار *الاشعار*، منوچهری دامغانی

### The Literal and Terminological Meanings of "Lāsakavī" and Prosodic Analysis of This Poetic Form

#### Abstract

Most lexicographers have included "Lāsakavī" as an entry in their dictionaries based on a poetic reference from Manuchehri Damghani's *Divan*, defining it -with slight variations in pronunciation- as a small, melodious bird. However, recent scholars, noting its appearance in the *Mi'yār al-Ash'ār*, have concluded that the term must have been a technical designation for a specific type of poetry with a special meter. With access to a newly edited version of Manuchehri's *Divan*, an alternative reading of the relevant verse, and two existing examples of Lāsakavī, it can now be hypothesized that: 1. The correct

pronunciation was Lāsakavī (لاسکوی). 2. It referred to a poetic form consisting of two lines (abyāt), composed not in standard Persian (Darī) but in one of its dialects; most likely Tabarī (Mazandarani). 3. Its rhyme scheme resembled that of the rubā'ī (quatrain), and its meter was similar but not identical to the rubā'ī, as it did not strictly follow quantitative ('arūd) prosody. This study employs a historical-analytical research method.

**Keywords:** *Al-Ibdā' fī al-'Arūd*, Ibn Farkhan Kashani, Lāsakavī, *Mi'yār al-Ash'ār*, Manuchehri Damghani

## ۱. مقدمه

با توجه به ورود کلمه لاسکوی در بیتی از اشعار مسمط منوچهری، فرهنگ لغت‌نویسان از زمان برهان قاطع تا کنون، این کلمه را در ضمن مداخل خود آورده و تلفظ آن را با اندکی اختلاف ذکر کرده و با توجه به لاسکوی در بافت بیت، آن را نوعی پرندۀ کوچک و خوش‌آواز دانسته‌اند. اما پس از چاپ سنگی معیار/الاشعار در ۱۳۲۰ ق/ ۱۲۸۱ ش که به نسخهٔ نجم‌الدوله مشهور است، ایرانیان بار دیگر با لاسکوی مواجه شدند، آنجا که خواجه نصیر آن را در کنار خسروانی‌ها آورده و برای آن نوعی وزن، البته نه وزن حقیقی، قائل شده است و از متن معیار/الاشعار معلوم می‌شود که آن نوعی شعر بوده است. البته کاتب نسخه پس از آوردن این کلمه آن هم به صورت «لاس‌کویها» در متن تصرف کرده و در داخل پرانتز توضیح داده است که: «صاحب فرهنگ جهانگیری در لغت لاسکوی گوید با سین و کاف مفتوح و واو مکسور و یای معروف نام جانوری خوش‌آواز منوچهری راست:

غوک<sup>۱</sup> تنبوره تو کوئی زند و لاسکوی از درختی به درختی شود و گوید آه

۱. در هر دو تصحیح از دیوان منوچهری، این کلمه به صورت «خول» آورده شده (منوچهری به تصحیح دبیرسیاقی، ۱۳۳۸:

۱۸۷؛ منوچهری به تصحیح آبادیان، ۵۰۳: ۱۴۰۳) و معنای آن در لغت‌نامه چنین آمده است:

«خول [ ] (۱) پرندۀ ای است کوچکتر از گنجشک و آن بغایت بلند پرواز و تیزپیر می‌باشد و بعضی چکاوک را

گفته‌اند... غلبواج، دراج سفید» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶: مدخل خول).

و این نوا را پارسیان بمناسبت طرز خوش نوای این حیوان لاسکوی خوانند مثل آنک عربان سجج  
کلام را از روی سجج حمام [کبوتر] برداشته‌اند». (تعلیق نجم‌الدوله بر: خواجه نصیر، ۱۳۲۰ق: ۵)

### ۱.۱. سؤالات پژوهش

در این پژوهش کوشش شده است با توجه به نسخه‌های خطی و دو نمونه به دست آمده از  
لاسکوی، معانی لغوی و اصطلاحی لاسکوی بار دیگر مورد بررسی قرار گرفته و به سؤالات زیر  
پاسخ داده شود:

۱. در کنار نحوه تلفظ صحیح لاسکوی، معنا یا معانی لغوی لاسکوی چیست و چه ارتباطی  
میان معانی لغوی و اصطلاحی آن می‌تواند داشته باشد؟

۲. ویژگی‌های لاسکوی به عنوان نوعی شعر از نظر شکلی، به ویژه از منظر عروضی بر اساس  
شواهد جدید کدام است؟

### ۱.۲. پیشینه پژوهش

با آن که بر اساس متن معیار/الشعار، پژوهشگران آشنا با این متن در سده اخیر متوجه شدند که  
لاسکوی به هر حال نوعی شعر بوده است، اما به دلیل کمبود منابع، از لاسکوی جز همان چیزی  
که به اختصار شدید در معیار/الشعار آمده بود و جز همان تعلیق نجم‌الدوله، چیز دیگری به دست  
نیاوردند و هیچ پژوهش مستقلی در این باب گشوده نشد و گاهی در ضمن مطالب خود اشاره‌وار  
به لاسکوی پرداختند. اخوان ثالث مقاله‌ای کوتاه با عنوان «خسروانی و لاسکوی» (۱۳۳۹) دارد  
که بیشتر حجم این مقاله ۷ صفحه‌ای را به خسروانی اختصاص داده و در پایان مقاله سخن خواجه  
نصیر و سپس توضیح دهخدا را در این باب نقل کرده و به این اکتفا نموده که لاسکوی نیز مانند

---

اما در برخی منابع عروضی که تاریخ نگارش آن‌ها پیش از تصحیح دیوان بوده، این کلمه با ریخت‌های دیگری نیز وارد شده  
است و ما هنگام نقل قول برای رعایت امانت، این کلمه را به همان صورتی که در آن منابع ذکر شده، آوردیم که در اینجا به  
صورت «خوک» آمده و مفتی محمد مرادآبادی در شرح معیار/الشعار آن را به صورت «نول» آورده است (مرادآبادی، ۱۲۸۲ق:  
۲۰).

خسروانی نوعی شعر قدیم بوده است.

در ضمن عروضیان نیز تنها عباس ماهیار به همراه دانشجوی خود در مقاله‌ای با عنوان «معرفی و بررسی دو رساله عروض فارسی در سفینه تبریز» در مجله بهار سخن (۱۳۸۹)، به دلیل ورود لاسکوی به دو نسخه عروضی سفینه تبریز، به آن پرداخته و کوشیده‌اند ویژگی‌هایی برای این نوع وزن ذکر کنند که نکته جدیدی در آن دیده نمی‌شود و در ضمن مقاله خواهد آمد. اما آنچه که باعث توجه دوباره به لاسکوی شده است، یافتن دو نمونه برای این نوع شعر است که هر دو اثر متعلق به قرن ششم است و یک مورد آن در کتاب *خلق الانسان* بیان الحق نیشابوری و مهم‌تر از آن یک نمونه دیگر در کتاب *الابداع فی العروض ابن فرخان* کاشانی به همراه تقطیع آن است که با بررسی این دو نمونه می‌توان به برخی از ویژگی‌های احتمالی لاسکوی دست یافت.

دو پژوهشگر دیگر نیز کوشیده‌اند لاسکوی را بار دیگر بررسی کنند، نخست راضیه آبادیان که بر اساس تصحیح جدیدش از دیوان منوچهری (۱۴۰۳) ضبط دیگری از بیت مورد نظر را پیشنهاد داده است که باعث تجدید نظر در معانی موجود در فرهنگ‌های لغت می‌شود. پژوهشگر دیگر میثم محمدی است که در مقاله مختصری با عنوان «دویتی طبری در کتاب *الابداع فی العروض ابن فرخان*» (۱۴۰۳) که در کانال تلگرامی خود منتشر کرده است، بر اساس این شاهد کوشیده است مشخصات لاسکوی را استخراج نماید، جز این که لاسکوی از منظر عروضی بررسی نشده است.

## ۲. املا و تلفظ لاسکوی

در خصوص نحوه تلفظ لاسکوی و حتی گاهی درباره شکل نوشتاری آن اختلاف نظر دیده می‌شود. در اینجا ابتدا شکل تلفظ آن را بر اساس آنچه در فرهنگ‌های لغت وارد شده می‌آید، سپس تلفظ آن منابع دیگر بررسی می‌شود.

### ۲. ۱. تلفظ لاسکوی و دلالت آن در فرهنگ‌های لغت

این واژه در تمامی فرهنگ‌های لغت وارد نشده است، اما در فرهنگ‌های مهم دیده می‌شود. دلیل اصلی توجه فرهنگ‌نویسان به این واژه، ورود آن در یکی از ابیات منوچهری بوده که در این فرهنگ‌ها و تصحیح دبیرسیاقی به صورت زیر آمده است:

خول طنپوره تو گویی زند و لاسکوی از درختی به درختی شود و گوید آه  
(منوچهری، ۱۳۳۸: ۱۸۷)  
همانطور که می‌دانیم هر فرهنگ لغتی روش خاصی در ارائه تلفظ کلمات دارد که ابتدا به همان صورت آورده می‌شود، سپس در صورت نیاز به صورت آوانگاری نیز نمایش داده می‌شود. البته با توجه به این که اغلب این منابع به صورت کوتاه، معنای واژه لاسکوی را ذکر کرده‌اند، معنی این واژه نیز در ضمن نقل قول‌ها آورده می‌شود.

برهان قاطع (قرن ۱۱): «لاسکوی: به فتح سین بی نقطه و کاف و واو بتحتانی رسیده. نام جانور کی است کوچک و خوش آواز» (برهان، ۱۳۴۲، ج ۳: ۱۸۷۶-۱۸۷۷). معین در تعلیقات، نظر دهخدا را درباره این کلمه آورده، اما نظری درباره تلفظ واژه نداده است.

فرهنگ جهانگیری و آندراج: «لاسکوی: با سین و کاف مفتوح و واو مکسور و یای معروف نام جانوری است کوچک و خوش آواز. منوچهری گفته...» (انجو شیرازی، ۱۳۵۱، ج ۱: ۴۷۵-۴۷۶؛ شاد، بی تا، ج ۵: ۲۶۵۸؛ نیز نک: رشیدی، بی تا، ج ۲، ۱۲۷۲).

فرهنگ نفیسی: «لاسکوی (lāsakvi) ا. پ. مرغی کوچک و خوش آواز» (ناظم الاطبا، ۱۳۵۵، ج ۴: ۲۹۳۴).

لغت‌نامه: «لاسکوی [ک] (ا) نام جانور کی است کوچک و خوش آواز (برهان). ظاهراً سیره یا مرغ کوچک دیگری است و یا پرنده کوچکی که امروز سسک نامیده می‌شود. بعضی این را به معنی لحنی از الحان موسیقی یا آلتی از موسیقی گمان برده‌اند ولی من شاهی برای آن نیافتم و بیت ذیل منوچهری ظاهراً منشأ این غلط و اشتباه است:

خول طنپوره تو گوئی زند و لاسکوی از درختی به درختی شود و گوید آه

لاسکوی در این شعر مثل طنبوره مفعول زدن نیست بلکه مبتدای جمله بعد است معطوف به خول و فاعل فعل شدن به معنی رفتن و نام مرغی است» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۲: مدخل «لاسکوی»). فرهنگ معین: «لاسکوی lāsakavī (ل) پرنده‌ای است کوچک و خوش آواز (ظ. سیره یا سسک): خول طنبوره تو گوئی زند و لاسکوی از درختی به درختی شود و گوید آه (منوچهری) ضح: بعضی این کلمه را به معنی لحنی از الحان موسیقی یا آلتی از موسیقی گمان برده‌اند، ولی شاهی برای آن نیافت نشد و ظاهراً بیت فوق از منوچهری ظاهراً منشأ این اشتباه گردیده (لغ-» (معین، ۱۳۶۴، ج ۳: مدخل لاسکوی).

همانطور که ملاحظه می‌شود تمامی این فرهنگ‌ها «لاسکوی» را نوعی مرغ کوچک و خوش آواز دانسته‌اند. اما در خصوص تلفظ آن، قریب به اتفاق به صورت لاسکوی (با یاء معلوم یعنی مصوت بلند I آورده‌اند، البته یک مورد لاسکوی (فرهنگ نویسی) نیز دیده می‌شود. نظر متفاوت درباره تلفظ این کلمه از سوی دهخداست: تلفظ پیشنهادی دهخدا بر اساس روش لغت‌نامه تنها به مضموم بودن [ک] دلالت دارد. بنابراین روش «س» ساکن است و «و» نیز حرکت ندارد و مصوت بلند محسوب می‌شود. در نتیجه تلفظ آن به صورت «lāsakūy» خواهد بود. در ادامه بر اساس ورود این کلمه در نسخه‌های خطی دیگر منابع، بار دیگر املا و تلفظ آن بررسی خواهد شد.

## ۲.۲. املا و تلفظ لاسکوی بر اساس نسخه‌های خطی معیار/الشعار

این اصطلاح تنها یک بار به صورت جمع (لاسکویها) در همان فصل اول از مقدمه معیار/الشعار در کنار اصطلاح «خسروانیه» آمده است:

«و به اتفاق وزن از فصول ذاتی شعر است، الا آن که هیأتی باشد که تناسب آن تام نباشد و نزدیک باشد به تام؛ مانند اوزان خسروانیه و بعضی لاسکویها. و شاید که بعضی امم آن را به سبب مشابهت از اوزان شعر شمرند و بعضی به سبب عدم تناسب حقیقی شمرند» (خواجه نصیر، ۱۳۹۳: ۸).

نخستین بار به دلیل مراجعه به کتاب‌های عروضی برای جمع‌آوری مطالب رساله دکتري خود،

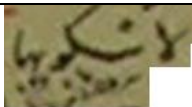
هنگام مطالعه معیار الاشعار با «لاسکوی» مواجه شدم، اما مواجهه جدی‌ام با این کلمه زمانی بود که مشغول تصحیح معیار الاشعار بر اساس نسخه‌های خطی بودم. البته در گام نخست بیش از آن که به دنبال دلالت معنایی و اصطلاحی آن در تعلیقات کتاب باشم، به دنبال یافتن ضبط صحیح کلمه بر اساس نسخه‌ها بودم، به طوری که در اغلب نسخه‌ها، حروف آن به ویژه «س» بدون حرکت گذاری آمده بود و در برخی نسخه‌ها به ویژه نسخه معتبر ۷۰۲ق به کتابت ابن متویه با سکون «س» آمده بود که همین املا برای تصحیح انتخاب شد (خواجه نصیر، ۱۳۹۳: ۸).

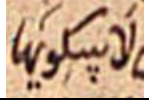
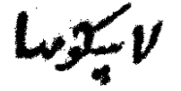
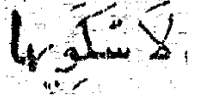
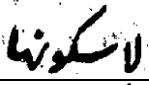
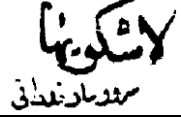
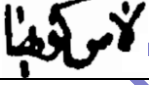
در حال حاضر علاوه بر نسخه‌های خطی (۱۰ نسخه) که مشخصات آن‌ها در مقدمه تصحیح آمده است (قهرمانی مقبل در: خواجه نصیر، ۱۳۹۳: چهل و هشت - شصت)، دو نسخه بسیار کهن و معتبر دیگر نیز در دسترس قرار دارد که هر دو در زمان حیات خواجه نصیر نوشته شده است و مشخصات آن‌ها به شرح زیر است:

نسخه قطب الدین مطبب شیرازی (۶۶۴ق): کتاب سوم از مجموعه کتابخانه احمد ثالث به شماره ۳۴۵۵ در ۱۲ برگ (۴۴پ - ۵۵ر) به خط قطب الدین محمود بن مصلح مطبب شیرازی (هر چند که کیفیت رضایت‌بخشی ندارد).

نسخه کتابخانه فاتح (۶۷۰ق): کتاب چهارم از مجموعه ۲۳۹ در ۶۳ برگ (گ ۱۰۷ - گ ۱۶۹) که در تاریخ ۶۷۰ق به دست ابراهیم بن محمد بن ابی بکر قونوی کتابت شده است که نسخه بسیار معتبر و با کیفیت بالای تصویر برداری است.

به دلیل اهمیت املا و نحوه تلفظ لاسکوی، ابتدا تصویر ضبط این واژه در نسخه‌های مهم معیار الاشعار در ضمن جدول زیر آورده می‌شود:

| شهرت نسخه        | تاریخ کتابت | کاتب             | محل نگهداری        | شماره نسخه | تصویر کلمه                                                                          | برگ |
|------------------|-------------|------------------|--------------------|------------|-------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| قطب الدین شیرازی | ۶۶۴ق        | قطب الدین شیرازی | کتابخانه احمد ثالث | ۳۴۵۵       |  | ۴۴پ |

|                   |           |                       |                    |       |                                                                                     |      |
|-------------------|-----------|-----------------------|--------------------|-------|-------------------------------------------------------------------------------------|------|
| فاتح              | ۶۷۰ق      | ابراهیم بن محمد قونوی | کتابخانه فاتح      | ۲۳۹   |    | ۱۰۸ر |
| مرعشی             | ۶۷۰ق      | -                     | کتابخانه مرعشی     | ۱۲۴۱۲ |    | ۱۳۷ر |
| ابن متویه         | ۷۰۲ق      | ابن متویه قونوی       | کتابخانه احمد ثالث | ۱۶۴۶  |    | ۲پ   |
| مجلس              | (۹) قرن ۸ | ؟                     | کتابخانه مجلس      | ۳۹۸۷  |    | ۲پ   |
| دانشگاه تهران (۱) | ۷۱۶ق      | -                     | دانشگاه تهران      | ۱۳۸   |    | ۳ر   |
| گهرشاد            | ۱۰۲۹ق     | محمد جعفر حسینی مشهدی | کتابخانه گهرشاد    | ۱۶۲۹  |    | ۲پ   |
| دانشگاه تهران (۲) | قرن ۱۱    | -                     | دانشگاه تهران      | ۳۴۱۷۴ |   | ۲ر   |
| نجم الدوله        | ۱۳۲۰ق     | چاپ سنگی              |                    |       |  | ۵ص   |

همانطور که ملاحظه می‌شود چندین ضبط متفاوت از اصطلاح مورد نظر دیده می‌شود، در هر دو نسخه ۶۷۰ق که علامت سه نقطه (:) زیر حرف «س» گذاشته شده، بر این دلالت دارد که به هیچ وجه نباید آن را «ش» تلفظ کرد. در هیچ یک از این نسخه‌ها «س» متحرک نیامده است، یا بدون حرکت رها شده و یا با علامت سکون آمده است. در نسخه نجم الدوله هم به صورت «لاس کویها» آورده شده که احتمالاً بیانگر سکون «س» است، هر چند در تعلیق کاتب در داخل پرانتز در داخل متن بر مفتوح بودن سین و کاف تصریح شده است (معیار الاشعار، نسخه نجم الدوله، ۱۳۲۰ق: ۵). مفتی محمد مرادآبادی نیز تلفظ این اصطلاح را به این صورت توضیح داده است که: «لا سکوی در اصل با سین و کاف مفتوح و واو مکسور و یاء معروف» (مرادآبادی،

۱۲۸۲ق: ۲۰). بگذریم از موردی در نسخه گهرشاد که کاتب اساساً این اصطلاح را نمی‌شناخته و آن را به اشتباه به صورت «لاسکونها» آورده است.

### ۳.۲. بررسی عروضی لاسکوی برای رسیدن به تلفظ واژه

همانطور که در لغت‌نامه نیز وارد شده، واژه لاسکوی در شعر فارسی تنها یک بار آن هم در دیوان منوچهری دامغانی در ضمن مسمط‌ها آمده است که البته روایت بیت در تصحیح‌های مختلف متفاوت است که در اینجا تأثیری در بحث ندارد و به اختلاف تصحیح‌ها و کوشش برای ضبط صحیح آن در ادامه پرداخته خواهد شد و در اینجا همان ضبط دبیرسیاقی می‌آید:

خول طنبوره تو گوئی زند و لاسکوی از درختی به درختی شود و گوید: آه  
این شعر بر وزن اصلی فعلاتن فعلاتن فعلن است که بنا بر اختیارات شاعری، صورت‌های زیر نیز ممکن است و شعر از وزن خارج نمی‌شود:

- فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اول مصراع.
- مفعولن به جای فعلاتن در رکن‌های دوم و سوم بر اساس اختیار تسکین.
- فعلن به جای فعلن در رکن پایان مصراع بر اساس اختیار تسکین. با توجه به اینکه واژه لاسکوی در پایان مصراع آمده است، باید دید که آیا شاعر از این اختیار استفاده کرده است یا خیر.

البته فراموش نشود که هجای پایانی مصراع‌ها می‌تواند بلند یا کشیده باشد. بر اساس علم عروض نمی‌توان تشخیص داد که واج «س» متحرک است یا ساکن، زیرا ما در این جایگاه به هجای کوتاه نیاز داریم و اگر «س» متحرک باشد که خود معادل هجای کوتاه است و اگر ساکن باشد نیز وزن درست است، زیرا در این صورت «لاس» هجای کشیده است که معادل یک هجای بلند و یک هجای کوتاه خواهد بود. در این باره باید به نسخه‌های خطی و دیگر منابع رجوع کرد که آیا «س» ساکن است یا متحرک و اگر متحرک است، چه حرکتی دارد.

اما در خصوص پایان کلمه، هم از منظر قافیه و هم از منظر عروض تلفظ این واژه نمی‌تواند

«لاِسْکوی» (lāsakūy یا lāskūy) باشد:

با توجه به این که شعر بر قالب مسمط است، در همین بند در جایگاه قافیه، چهار کلمه آمده است که از همه روشن تر «راهِروی» (rāhrovi یا rāhravi) است، بنابراین کلمه مورد نظر ما هم باید بر اساس تلفظ آن زمان «-kavi یا -kavi» باشد. البته بر خلاف اغلب کسانی که درباره تلفظ این کلمه نظر داده و آن را مختوم به یاء معروف دانسته اند، آبادیان در تصحیح خود آن را به صورت «لاِسْکوی» ضبط کرده و تلفظ وی در هجای آخر کلمه بنا بر دیگر قافیه های این بند، با «یای مجهول» می داند (منوچهری: ۱۴۰۳: ۸۹۹، تعلیقات مصحح). به هر حال از نظر علم عروض نیز به هیچ وجه تلفظ «lāsakūy یا lāskūy» نمی تواند درست باشد، زیرا در این صورت مصراع یک هجا کم خواهد داشت.

تقطیع مصراع اول بر اساس تلفظ «lāsakūy یا lāskūy»:

|             |           |            |       |
|-------------|-----------|------------|-------|
| خولِ طنِ بو | رِ تِ گوی | زَنَ دو لا | س کوی |
| ---         | ---       | ---        | ---   |
| فاعلاتن     | فاعلاتن   | فاعلاتن    | فعول  |

تقطیع مصراع دوم:

|                |                |               |         |
|----------------|----------------|---------------|---------|
| از دِ رِ خِ تی | بِ دِ رِ خِ تی | شِ وَ دِوِ گو | یَدِ آه |
| ---            | ---            | ---           | ---     |
| فاعلاتن        | فاعلاتن        | فاعلاتن       | فعْلان  |

همانطور که ملاحظه می شود رکن پایانی مصراع اول فعول (= فعل) است و با هیچ توجیه عروضی مطابقت ندارد و شعر از وزن خارج شده است، بنابراین این تلفظ نمی تواند صحیح باشد. توضیح این که در رکن سوم هر دو مصراع (زند و/ شود و) مصوت کوتاه (o) بنا بر ضرورت وزنی اشباع شده (ō) و هجای کوتاه به بلند تبدیل شده است که البته خارج از موضوع بحث مقاله است.

در نتیجه بر اساس علم عروض در انتهای کلمه، واج «ک» تنها دارای مصوت کوتاه (با هر مصوت کوتاهی که باشد) و معادل یک هجای کوتاه است و واج «و» نیز قطعاً مصوت بلند نیست، بلکه یک صامت است که پس از آن مصوت بلندی (ī) (و یا یاء مجهول (ē) که آن هم معادل مصوت بلند است) آمده که یک هجای بلند را تشکیل می‌دهد.

تقطیع مصراع اول بر اساس تلفظ «kavi- یا kavi-»:

|           |            |           |        |
|-----------|------------|-----------|--------|
| خول طن بو | ر ت گ و ئی | ز ن دو لا | س ک وی |
| ---       | ---        | ---       | ---    |
| فاعلاتن   | فعلاتن     | فعلاتن    | فعلن   |

البته از نظر عروضی حالت سومی هم محتمل است و همانطور که در رکن پایانی مصراع دوم شاهد اختیار شاعری تسکین هستیم، می‌توان این اختیار را در رکن پایانی مصراع اول نیز مشاهده کرد (تبدیل فعلن به فعْلن). در این صورت باید کلمه لاسکوی به صورت «لا سَکْ وی» قرائت شود یعنی سین متحرک و کاف ساکن باشد، در نتیجه مصراع به دو هجای بلند ختم می‌شود که معادل «فعْلن» خواهد بود. هر چند این تلفظ توجیه عروضی دارد اما از آنجا که چنین تلفظی از سوی هیچ کس مطرح نبوده است، طرح آن موضوعیتی ندارد.

بنابراین بر اساس این بیت از منوچهری و ضبط این کلمه در نسخه‌های خطی معیار الاشعار دو تلفظ برای این کلمه محتمل است که در واقع تفاوت عمده میان آن دو ساکن بودن یا مفتوح بودن «س» خواهد بود.

### ۳. معنای اصطلاحی لاسکوی به عنوان نوعی شعر

در میان معاصران احتمالاً نخستین کسی که به دلیل کار بر روی معیار الاشعار به لاسکوی، به اختصار تمام پرداخته ناتل خانلری است که پس از نقل سخن خواجه نصیر در پانوش این عبارت را آورده است: «به فتح سین و کاف، نام یکی از نواهای ایرانی» (خانلری، ۱۳۳۷: ۹۹). همانطور که ملاحظه می‌شود، خانلری هم تلفظ این اصطلاح را لاسکوی دانسته است. پس از او اخوان

ثالث به آن به عنوان نوعی شعر توجه نشان داده است. او در مقاله‌ای با عنوان «خسروانی و لاسکوی» به دلیل کمبود منابع در خصوص لاسکوی، به تفصیل به خسروانی پرداخته و در انتهای مقاله به صورت گذرا آن را نوعی وزن یا قالب شعر دانسته است. با توجه به این که نسخهٔ نجم الدوله از معیار الاشعار در اختیار اخوان بوده است، در متن مقاله به پیروی از آن واژه را به صورت «لاس کوی» نوشته و سپس توضیح وارد شده در نسخه را عیناً نقل کرده و به سخن دهخدا ارجاع داده است که پیش این آورده شد (اخوان ثالث، ۱۳۳۹: ۵۰۴). با این توضیح اخوان که تأیید نظر دهخداست، معلوم می‌شود که او نیز تلفظ پیشنهادی دهخدا را پذیرفته که بر اساس روش لغتنامه تنها به مضموم بودن [ک] دلالت دارد. بنابراین روش «س» ساکن است و «و» نیز حرکت ندارد و مصوت بلند محسوب می‌شود. در نتیجه تلفظ آن به صورت «lās-kūy» خواهد بود. سپس می‌افزاید: «گویا لاسکوی هم نوعی شعر یا قول (تصنیف) هجایی بوده که فراموش شده است و نمونه‌ای نیز از آن، احتمالاً باقی نمانده است... به هر حال دربارهٔ لاسکوی به عنوان شعر موزون غیر تام، جایی چیزی به نظر نمی‌رسید» (همان: ۵۰۵).

همچنین اخوان در جای دیگر لاسکوی را مانند خسروانی تصنیفی می‌داند که مانند قول و غزل موافق آهنگ موسیقی ساخته شده است. سپس چنین آورده است: «بعضی از اهل تحقیق معتقدند که سرود خسروانی و لاسکوی پیش از اسلام نیز نوعی «قول» بوده - که سراینده که احتمالاً نوازنده هم بوده - در بزم‌ها می‌خوانده است، منتها اوزان خسروانی و لاسکوی هجایی بوده است» (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۲۱۰-۲۱۱).

پس از اخوان ثالث، عباس ماهیار و شهرز جمالی، بدون آن که دربارهٔ نحوهٔ تلفظ این اصطلاح نظر بدهند، آن را در دو کتاب دیگر نیز یافته و نکاتی را دربارهٔ آن متذکر شده‌اند:

۱. اگر «سجع» را آواز کبوتر یا پرندگان و در معنای اصطلاحی «هماهنگی و تناسب میان کلمات بدانیم، به همین نسبت می‌توان «لاسکوی» را که نام پرنده‌ای است خوش آواز به طریق مجاز بر آواز موزون آن اطلاق کرد.

۲. با تأمل در این نکته که چکاوک هم نام گوشه‌ای از ردیف موسیقی ایرانی در دستگاه همایون است و هم نام مرغی خوشخوان، می‌توان چنین گمان برد که «لاسکوی» نیز هم نام لحنی از الحان موسیقی باشد که شبیه مرغی خوش آواز به نام لاسکوی است.

۳. با عنایت به تعریف خواجه در باب خسروانی و لاسکوی و به تعبیر «تناسبی نزدیک به تام و غیر حقیقی» می‌توان چنین حدس زد و احتمال داد که خسروانی و لاسکوی نمونه‌های آغازین و پیوند شعر و موسیقی، یعنی تصنیف و سرود بوده است شاید بتوان تعبیر «تناسب غیر حقیقی و نزدیک به تام» را در اوزان متفاوت شعر در کوتاه و بلندی مصراع‌ها در تصنیف دانست و تطبیق داد» (ماهیار و جمالی، ۱۳۸۹: ۱۴۰-۱۴۱).

آن‌ها در انتهای نکته سوم، تصنیف «مرغ سحر» را می‌آورند که بر چند وزن مختلف سروده شده است و احتمال می‌دهند که لاسکوی هم ممکن است چنین بوده باشد.

البته مضمون نکته‌های اول و دوم، در افزوده نسخه نجم الدوله با عبارت «این نوا را پارسیان به مناسبت نوای خوش این حیوان لاسکوی خوانند مثل آنکه عربان سجع کلام را از روی سجع حمام [کبوتر] برداشته‌اند» نیز آمده است (نجم الدوله، ۱۳۲۰ق: ۵) همچنین پیش از نجم الدوله مفتی محمد مرادآبادی نیز در شرح معیار/الشعار به این نکته اشاره کرده است:

«لاسکوی در اصل با سین و کاف مفتوح و واو مکسور و یای معروف، مرغی است کوچک خوش آواز. منوچهری گوید:

نول طنبوره تو گوئی زند و لاسکوی از درختی به درختی شود و گوید آه  
کذا فی السروری و در اینجا مراد از آن نوعی سرودست و شاید آنرا از آواز مذکور به سبیل حکایت اخذ کرده منسوب به او ساخته‌اند» (مرادآبادی، ۱۲۸۲ق: ۲۰).

راضیه آبادیان بدون آن که درباره تلفظ لاسکوی اظهار نظر کند، آن را به همان صورت «لاسکوی» پذیرفته، اما بیت منوچهری را به صورت زیر آورده:

خول طنبوره کویی زند و لاسکوی از درختی به درختی شود و گوید آه

و افزوده است:

«نظر ایشان [دهخدا] درباره معنای «لاسکوی» درست نیست؛ «لاسکوی» هم نام یک پرندۀ کوچک است و هم نام یک پرده موسیقی و در این بیت اگر «لاسکوی» در نقش مفعول جمله آمده باشد، منظور شاعر نام یک پرده موسیقی بوده است. در کتاب سمک عیار از لاسکوی در کنار نام چند پرده دیگر نام برده شده است» (آبادیان، ۱۳۹۷: ۷).

سپس بر اساس عبارتی در کتاب سمک عیار «کویی» را ریخت دیگری از «کوهی» دانسته که در کنار «لاسکوی» قرار گرفته است: «از این سازها، هریکی پرده‌ای چون پرده ماوراءالنهری، و کوهی و لاسکوی و خسروانی و پرده شاهی و پرده بسکنه و پرده چینی و تازی و...» (فرامرزی بن خداداد الأرجانی، ۱۳۵۳، ج ۵: ۲۰۹). توضیح این که گویا در اصل نسخه «لاسلونی» آمده و خانلری دست به تصحیح قیاسی زده و آن را به صورت «لاسکوی» آورده است.

میثم محمدی که مقاله کوتاهی را در کانال تلگرامی خود منتشر کرده به درستی درباره بیت منوچهری نظر داده است: «به گمان ما کویی در طنبوره کویی همان کوهی است یعنی منسوب به کوه و مرادف "جبلی". فاعل بیت فقط خول است و هم اوست که دو پرده را با طنبور می‌زند: هم پرده کوهی را هم لاسکوی را» (محمدی، ۱۴۰۳: ۴). بنابراین لاسکوی به کویی معطوف شده (همچنان که در متن کتاب سمک عیار نیز کوهی و لاسکوی به هم عطف شده‌اند) و در این بیت هر دو مضاف الیه برای طنبوره هستند. در نتیجه فاعل مصراع دوم نیز همان خول است که طنبوره کویی و طنبوره لاسکوی می‌زند و از درختی به درختی پرواز می‌کند و آه می‌گوید.

نکته قابل تأمل دیگر که در همین راستا قرار دارد این است که منوچهری آواز خول را محزون می‌داند، مانند کسی که «آه» می‌گوید. برای دقت بیشتر در این باره، تمامی این بند از مسمط آورده می‌شود بر اساس دو تصحیح دبیرسیاقی و راضیه آبادیان (۱۴۰۳) آورده می‌شود:

دِیَلَمی‌وار کند هَزْمان دُرْاج غَوی      بر سرِ هر پَرَش از مُشْک نگاریده وَوی  
وَرْشان نوحه کند بر سر هر راهروی      بلبل از دور همی‌گوید بر من بجوی

خول طنپوره تو گویی زند و لاسکوی از درختی به درختی شود و گوید: آه

(منوچهری، ۱۳۳۸ (دبیرسیاقی): ۱۸۷)

دیلمی وار کند هزمان درآج عوی بر سر هر پرش از مشک نگارند روی (؟)

ورشان نوحه کند بر سر هر راهروی بلبل از دور همی گوید بر من بجوی

خول طنپوره کویی زند و لاسکوی از درختی به درختی شود و گوید: آه

(منوچهری، ۱۴۰۳ (آبادیان): ۵۰۳)

البته این بند از مسمط مشکوش است، به ویژه واژه‌های قافیه که نسخه بدل‌ها نیز کمک‌چندانی به حل مشکل نمی‌کند و باعث می‌شود معنای برخی از عبارات مبهم باشد. با این حال ورود چند عبارت مانند: «نوحه کند»، «گوید آه» نشان از فضای غم و حزن دارد، گویی برای منوچهری با شنیدن آواز این پرندگان، پرده‌های محزون و سوزناک موسیقی تداعی می‌شده است: درآج عوی (سرگشته و پریشان) دیلمی وار (نسخه بدل در هر دو تصحیح: دیلمان وار) نوحه سر می‌دهد که یادآور گوشه دیلمان در آواز دشتی است و بسیار محزون است. همچنین خول در حالی که در پرده کویی (کوهی = جبل) و لاسکوی، طنپور می‌نوازد (زدن به معنای نواختن)، از درختی به درختی می‌پرد و آه سر می‌دهد. در نتیجه می‌توان احتمال داد که لاسکوی نیز پرده محزونی بوده است. در ادامه خواهیم دید که هر دو شاهد شعری برای لاسکوی نیز فضای غم و حزن دارد.

یادآوری می‌شود که در تصحیح مجدد دبیرسیاقی از دیوان منوچهری، در بیت مورد نظر به جای «خول طنپوره تو گویی...» ترکیب «طنپوره کویی» آمده است (منوچهری، ۱۳۷۵: ۱۸۹).

همچنین در بیت دیگری از دیوان همین ترکیب وارد شده است:

یکی طنپوره کویی دوم طنپور حدادی سه دیگر جام بغدادی چهارم باد الصری ؟ [باده حمری]

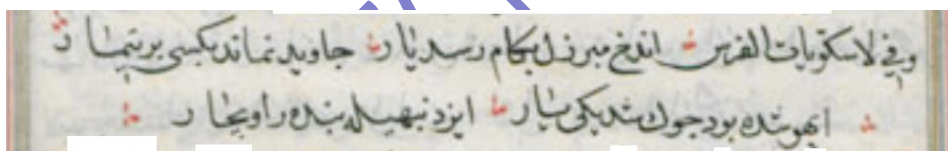
(همان: ۱۲۶)

#### ۴. بررسی دو شاهد شعری برای لاسکوی

تمامی مطالبی که تا اینجا آورده شد، با چشم‌پوشی از تصحیح جدید دیوان منوچهری، بر اساس همان منابعی بود که در طول سالیان در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران بوده است. خوشبختانه در حال حاضر دو نمونه برای لاسکوی در دست است که در هر دو بر این نام تصریح شده و هر دو منبع برای قرن ششم و متن هر دو کتاب به زبان عربی است: *خلق الانسان* اثر بیان الحق نیشابوری (متوفی ۵۲۱ق) و *الایبداع فی العروض* تألیف ابن فرخان کاشانی (متوفای نیمه دوم قرن ششم). هر چند هر دو شاهد حائز اهمیت است، ولی از آنجا که کتاب دوم در علم عروض است، مؤلف نکات عروضی مهمی را در خصوص لاسکوی منقول در کتاب، ذکر کرده و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

#### ۴.۱. بررسی لاسکوی در *خلق الانسان*

در مجلس ۹۴ از *خلق الانسان* تألیف محمود بن ابی الحسن نیشابوری ملقب به بیان الحق (و ۵۲۱ق) که در ۱۰۷۴ق کتابت شده چنین آمده است (گ ۳۱۹پ):



ملاحظه می‌شود که لاسکوی به صورت «لاسکویات» جمع بسته شده است. سید محمد حسین حکیم این لاسکوی را با کمک نسخه‌های دیگر به صورت زیر تصحیح کرده است (حکیم، ۱۳۹۸: ۵۷):

وفی لاسکویات\* الفرس:

اندرخ مبر(ظ: بئر) ز دل<sup>۱</sup> به کام رسد یار جاوید نماید به کسی بر تیمار

ابهو\*<sup>۲</sup> شده بود جوک شد یکی یار(؟) ایزد نبهله بنده[ای] را ویچار

(بیان الحق نیشابوری، مجلس ۹۴، گ ۳۱۹پ؛ مشهد: ص ۶۷۰؛ قاهره: ۲۷۰)

۱. در اصل نسخه «ز ل» آمده و مصحح دست به تصحیح قیاسی زده و آن را به صورت «ز دل» آورده است.

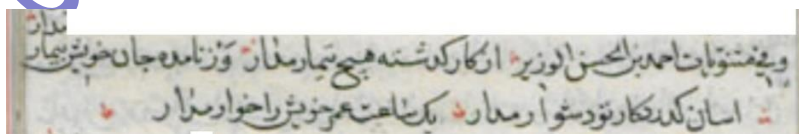
نسخه بدل‌ها: \* قاهره: لاشکویات // \*\* مشهد: آهو. قاهره: ایهو

در حال حاضر این قدیمی‌ترین نمونه‌ای است که با نام لاسکوی آمده است. ویژگی‌هایی را که می‌توان بر شمرد این است که نخست از نظر زبانی آمیخته‌ای از فارسی دری (معیار) و زبان عامیانه است و از نظر تعداد ابیات دو بیت دارد و قافیه هم در مصراع‌های اول و دوم و چهارم دیده می‌شود و دربارهٔ مصراع سوم با توجه به اشکال در املاي کلمه محل قافیه (یار؟) تردید وجود دارد که اگر جز یار باشد، این مصراع نیز قطعاً دارای قافیه خواهد بود.

#### ۴. ۱. ۱. بررسی عروضی شاهد اول

البته نمی‌توان مطمئن شد که این لاسکوی چقدر دقیق ضبط و نقل شده است و نسخه بدل نیز کمک‌چندانی نمی‌کند، با این حال مصراع دوم از بیت اول هم از نظر زبانی کلمهٔ عامیانه ندارد و هم از نظر وزنی دقیقاً بر وزن رباعی (مستفعلٌ مستفعلٌ مفعولن فاع = مفعولٌ مفاعیلٌ مفاعیلن فاع) است. مصراع دوم بیت دوم نیز بستگی دارد که واژهٔ «بنده» به چه صورتی خوانده شود: اگر به همان صورت موجود خوانده شود، مصراع یک هجا کم دارد، اما چنان که در رسم الخط قدیم، صورت نکرهٔ امثال این کلمه به شکل «بنده/ بنده» نوشته می‌شد، اگر به صورت «بنده‌ای» قرائت شود، باز هم منطبق بر یکی از اوزان رباعی (مستفعلٌ فاعلاتٌ مفعولن فاع = مفعولٌ مفاعلن مفاعیلن فاع) خواهد بود. از همین دو مصراع می‌توان نتیجه گرفت که وزن لاسکویات، یکی از اوزان رباعی یا نزدیک به آن بوده است که در دو مصراع دیگر شاهد آن هستیم.

جالب این که پیش از این لاسکوی، بلافاصله یک رباعی از احمد بن حسن میمندی وزیر مشهور سلطان محمود و سلطان مسعود آمده است که مؤلف آن را لاسکوی به شمار نیاورده و «فی مثنویات احمد...» نامیده است:



از کار گذشته هیچ تیمار مدار و ز نامده جان خویش بیمار مدار

آسان گذرد کار تو دشوار مدار یک ساعت عمر خویش را خوار مدار

می‌توان چنین استنباط کرد همین شعر که یک رباعی است و بر زبان دری سروده شده و وزن عروضی دارد، مثنوی (دارای دو بیت) نامیده شده است، اما شعر دوم با آن که همان ویژگی‌ها را دارد، جز آن که به عامیانه سروده شده و از منظر عروضی نیز، وزن هر چند نزدیک به اوزان رباعی است، اما تفاوت‌های بارز در آن دیده می‌شود، لاسکوی نامیده شده است و به نظر می‌رسد آنچه لاسکوی را از رباعی متمایز می‌کرده زبان و وزن آن بوده است.

#### ۲.۴. بررسی شاهد دوم در کتاب *الابداع فی العروض*

یک کتاب بسیار مهم و بی‌نظیر به نام *الابداع فی العروض* در یکی دو سال اخیر شناخته شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته و مؤلف آن ابن فرخان کاشانی در قرن ششم هجری است که هم شامل عروض عربی و هم شامل عروض فارسی (به زبان عربی) می‌شود. در بخشی از کتاب چندین نمونه شعر به برخی از گویش‌های فارسی، از جمله کاشانی، اصفهانی و طبری آورده است. مثالی که ابن فرخان برای طبری آورده، «لاسکوی» نامیده است. خوشبختانه در این کتاب تنها به ذکر این اصطلاح اکتفا نشده و توضیحاتی درباره آن داده شده است که از برای نخستین بار زوایای بیشتری از این نوع شعر را روشن می‌کند.

#### ۲.۴.۱. تلفظ لاسکوی در *الابداع*

این اصطلاح پنج بار در کتاب وارد شده است که دو بار آن در متن کتاب، یک بار در حاشیه کتاب، یک بار در ضمن شاهد شعری و یک بار هم تقطیع آن آمده است. با توجه به این که غالباً کلمات کتاب با حرکت گذاری دقیق آمده، و از طرف دیگر در ضمن شعر و تقطیع آن وارد شده است، تردیدی نمی‌ماند که تلفظ آن در این کتاب لاسکوی (lāsakawī یا lāsakavī) است که در ادامه تصویر عبارات مرتبط با این اصطلاح می‌آید.

#### ۲.۴.۲. ویژگی‌های لاسکوی در *الابداع* به عنوان شعر

ابن فرخان ابتدا لاسکوی را این چنین تعریف می‌کند (ابن الفرخان، قرن ۶: گ ۶۲ پ):



و کاخصاص الوزن الذي «للمثنوي الطبري» المدعو: «لاسکوی»، بلسان أهل «طبرستان» لمناسبتهم طباعهم، وهذا الوزن أصله عندنا من «مكفوف الرجز»، وعند الجمهور من أهل العروض الفارسية من «الهِزَج الأخرَب»، وبالجملة هو الوزن المعروف «بترانَه» (ابن الفرخان، ۲۰۲۳: ۳۴۱).

ترجمه: مانند اختصاص وزنی که برای مثنوی طبری [دارای دو بیت] است و به زبان اهل طبرستان، لاسکوی خوانده می‌شود که متناسب با طبع آن‌هاست. اصل این وزن بر اساس روش ما «رجز مکفوف» [مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُس] است و در نزد عروضیان فارسی «هزج اخرب» [مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعْل] است که به طور کلی به «ترانه» شناخته می‌شود.

عجیب این که همانطور که در ضمن جدولی تمامی ضبط‌های لاسکوی را آوردیم، در یکی نسخه‌های خطی، متعلق به قرن ۱۱ در زیر لاسکوی، عبارت «سرود مازندرانی» آورده شده است که با سخن ابن فرخان همخوانی دارد:

|                   |        |   |               |       |                            |    |
|-------------------|--------|---|---------------|-------|----------------------------|----|
| دانشگاه تهران (۲) | قرن ۱۱ | - | دانشگاه تهران | ۳۴۱۷۴ | لاسکویها<br>سرود مازندرانی | ۲ر |
|-------------------|--------|---|---------------|-------|----------------------------|----|

سپس ابن فرخان درباره این که گاهی در شعر فارسی غیر دری، برای تقطیع صحیح شعر و حفظ سلامت وزن، نیاز است که برخی از حروف با تضعیف (تشدید) و برخی دیگر به صورت مختلس و ربوده شده ادا گردد، مثالی از لاسکوی می‌آورد و جزئیات تقطیع آن را نیز ارائه می‌دهد که به دلیل اهمیت موضوع، تصویر کامل مطالب آورده می‌شود (ابن الفرخان، قرن ۶، گ ۶۳ پ):

الضعيف فإنه قد يحتاج للتقطيع في الشعر الفارسي غير الدري إلى تضعيف  
 كثير من الحروف حتى يصير بحيث يستقيم به الوزن كما في المدعو «لا سكوي» قال  
 قائلهم: فلک رجه زين کج سينا و آسيينه جردمه ک هرج  
 سيناو ميئه اندوه دوه هر دو اندوه رويته هم لاسک آوي هم  
 وش ويل آويته لاسک آوي طبع ذکر  
 وانت إن أردت تصحيح هذا الوزن فلا بد لك من حروفه من تضعيف بعض  
 واختلاس بعض هذه الصور والتشديد علامة للتضعيف وصورة ح  
 علامة الاختلاس  
 فلکج ايچين يادسي اء جردم جرجين ياره مي اء  
 شتول شتول شتول من شتول شتول شتول من  
 اندوه اء يند اندوهي اء هلا سک و نهوش و بکري اء  
 شتول شتول شتول من شتول شتول شتول من  
 فالبيت الاول من التضعيف ما في لام نلک و جيم کج و کان جکردمه  
 وها جهرج والبيت الثاني فيه من الاختلاس ما في راهر دو و و او اندوه  
 و هانه و جره الرامن رويته و على هذا فنسب و سائر الاحكام الشعرية

فإنه قد يُحتاج للتقطيع في الشعر الفارسي غير الدري إلى تضعيف كثير من  
 الحروف، حتى يصير بحيث يستقيم به الوزن، كما في المدعو: «لا سكوي»، قال  
 قائلهم:

|                                |                             |
|--------------------------------|-----------------------------|
| فلک رجه زين کج سينا و آسيينه   | جه کردمه ک هرج سيناو ميئه   |
| اندوه دوه بي هر دو اندوه رويته | هم لاسک آوي هم وش ويل آويته |
| سمين                           | کسا ضايع طبع ذکر            |

وأنت إن أردت تصحيح هذا الوزن، فلا بد لك في حروفه من تضعيف بعض،  
 واختلاس بعض، بهذه الصورة: - والتشديد علامة للتضعيف، وصورة «خ» علامة  
 الاختلاس:-

فَلْكَرَجَ \* إِكْجَسَ \* يَأُوسِبِي إِهْ      جَكَرْدُم \* كَهَرَجَسَ \* يَأَوْهَ مِي إِهْ  
مستفعلُ مستفعلُ مُسْ      مستفعلُ مستفعلُ مُسْ

أَنْدُوَهْ دَ \* إِهْ يَبْهَدْ \* أَنْ دُوهْ رُويَ إِهْ      هَمَلَسَ كَ \* وَيَهَمُ وَشَ \* وَيَلْ وَيَ إِهْ  
مستفعلُ مستفعلُ مُسْ      مستفعلُ مستفعلُ مُسْ

فالبیت الأول فيه من التضعيف ما في لام «فَلْكَ»، وجيم «كَجَه»، وكاف «جَكَرْدُمَه»، وهاء «كَهَرَجَ». والبیت الثاني فيه من الاختلاس ما في راء «هَرَدُو»، وواو «أَنْدُوَهْ» وهائه، وحركة الراء من «رَوِيئَه».

(ابن الفرخان، ۲۰۲۳: ۳۴۳-۳۴۴)

به دلیل اهمیت موضوع و با توجه به این که در حال حاضر مفصل ترین و مهم ترین و در عین حال یکی از کهن ترین متنی است که درباره لاسکوی وجود دارد، ترجمه کامل متن آورده می شود. اما قبل از ترجمه متن، شایان ذکر است که هر چند این دو بیت در اصل متن تقطیع شده و حرکت گذاری کلمات انجام شده است، ولی به دلیل عدم آشنایی ام با گویش طبری، از استاد ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق درخواست کردم که معنای فارسی این شعر را برایم بنویسند که ایشان زحمت کشیده و علاوه معنای فارسی، شعر را آوانگاری نیز کرده و برایم فرستادند که عیناً در ضمن ترجمه آورده می شود<sup>۱</sup>:

همانا گاهی در شعر فارسی غیر دری، در تقطیع شعر به مشدد کردن حروف زیادی نیاز است، تا وزن درست گردد. به طور مثال در آنچه که لاسکوی خوانده می شود، چنین سروده شده است:

فَلْكَ رَجَهْ ءَينَ كُجَهْ سِيَا وَ أُسْبِيئَهْ      جَه كَرْدُمَهْ كَ هَرَجَ سِيَاوَهْ مِيئَهْ  
أَنْدُوَهْ دُوهْ بِي هَر دُو أَنْدُوَهْ رَوِيئَهْ      هَم لَاسَكْ آوِي هَم وَشَ وَيَلْ آوِيئَهْ  
سمین      کسا ضایع طبع ذکر

۱. جای شگفتی است که در مقاله مئیم محمدی (۱۴۰۳: ۲)، در آوانگاری و ترجمه همان را می بینیم که دکتر اسماعیل پور آورده است.

[رَوِيئَه: سَمِين (= فَرَبِه)، لَاسَكْ: كَسَا (= جَامِه)، اَوِي: ضَايِع، وِشْ: طَبِع، وِيلْ: ذَكَر  
 falak raĵa-ēn kuĵa siyāw u ispē-‘e / ĉe kerdāme ke har ĉe siyāw-e mē-‘e  
 andōh do e bē har do andōh ravī-‘e / ham lāsak avī ham wiš u wīl avē-‘e

۱. فلکِ رنگین کجا (= که) سیاه و سپید است / چه کردم که هر چه سیاه است مراست؟
  ۲. اگر دو اندوه باشد هر دو اندوه سنگین (تحت اللفظ: فربه) است / هم جامه ضایع است و هم طبع و خاطر ضایع است (یعنی هم بی مال و خواسته‌ام هم تن و روانم زار و بیمار است)
- اگر بخواهی که وزن این شعر درست باشد، به ناچار باید برخی از حروف آن را مشدد کنی و برخی را مختلس و دزدیده ادا کنی. در تقطیع شعر، علامت تشدید برای مشدد کردن و علامت «خ» برای دزدیده ادا کردن به کار رفته است:

فَلْکَرَجْ \* اِيْکَجَسْ \* يَّوْسَبِيْ اِهْ      جِکَرْدُمْ \* کِهَرَجَسْ \* يَّوَهْ مِيْ اِهْ  
 مُسْتَفْعَلُ مُسْتَفْعَلُ مُسْتَفْعَلُ مُسْ      مُسْتَفْعَلُ مُسْتَفْعَلُ مُسْتَفْعَلُ مُسْ

اَنْدُوَهْ دْ \* اِهْ بِيَهْدْ \* اَنْ دَوَهْ رُوِيْ اِهْ      هَمَلَسْ کَ \* وِيَهْمْ وِشْ \* وِيلْ وِيْ اِهْ  
 مُسْتَفْعَلُ مُسْتَفْعَلُ مُسْتَفْعَلُ مُسْ      مُسْتَفْعَلُ مُسْتَفْعَلُ مُسْتَفْعَلُ مُسْ

در بیت اول تشدید در لام «فلک»، جیم «کجه»، کاف «جکرده» و هاء «کهرج» وارد شده است و در بیت دوم راء «هردو»، واو و هاء «آندوه» و حرکت راء در «رَوِيئَه» مختلسه است و دزدیده تلفظ می‌شود. [در مصراع چهارم حرفِ واو ماقبلِ وِيلْ نیز تشدید گرفته و در تقطیع دیده می‌شود، ولی ابن فرخان در توضیح آن را از قلم انداخته است].

\*\*\*

نکته قابل تأمل این که در شعر کلمه لاسکوی به صورت «لاسکْ اَوِي» آمده تا نشان دهد که کلمه‌ای مرکب از دو بخش «لاسکْ + اَوِي» است و زیر هر دو بخش، معنی آن را به عربی نیز آورده است: لَاسَكْ: کَسَا (= جَامِه)، اَوِي: ضَايِع. در نتیجه لاسکوی به معنای جامه ضایع خواهد بود، که در ترجمه دکتر اسماعیل پور نیز همین آمده است. با توجه به متحرک بودن حرف کاف، همزه «اَوِي» از تلفظ ساقط شده و به صورت لاسکوی در آمده است. همچنین در جایی از مصراع

قرار گرفته است که به هیچ وجه تلفظ آن نمی تواند لاسکوی باشد.

شگفت این که در میان فرهنگ های لغت در لغت نامه مدخل «لاسکی» چنین آمده است:

«لاسکی. [سَی ی] (ص نسب) منسوب به لاسک و آن گمان برم نوعی از جامه باشد به مازندران» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۲: مدخل لاسکی). این نکته ظریف مؤید نظر ابن فرخان است که لاسک را «کسا» (جامه) ترجمه کرده است و دهخدا اسم منسوب به آن را به همان سین مفتوح، نوعی جامه به مازندران می داند.

#### ۴.۲.۳. بررسی عروضی لاسکوی بر اساس کتاب الابداع

در همین بخش ابن فرخان چند فهلوی هم می آورد، در نتیجه بنا بر نظر او لاسکوی با فهلویات متفاوت است، زیرا همان طور که تصریح کرده وزن لاسکوی معادل وزن ترانه (رباعی) است. شاید این طور بتوان گفت که لاسکوی، یک نوع رباعی است؛ یعنی دارای دو بیت است و نزدیک به وزن رباعی است و آرایش قافیه قالب رباعی را هم دارد. باید دقت نمود که منظور ابن فرخان از «المثنوی الطبری»، قالب مثنوی با آرایش قافیه خاص آن نیست، بلکه منظور این است که در دو بیت آورده می شود. ویژگی مهم دیگر این که لاسکوی به زبان دری نیست و با گویش طبری سروده می شود که در صورت نیاز برای درستی وزن، باید با مشدد کردن برخی حروف و دزدیده ادا کردن برخی حروف و حرکات دیگر، بر وزن رباعی آمده باشد که بر اساس روش او به صورت «مستفعلٌ مستفعلٌ مستفعلٌ مُس» رکن بندی می شود. هر چند با یک شاهد نمی توان مطمئن شد که اساساً این نوع شعر بر مبنای عروض کمی است یا نه. از طرف دیگر شاید بتوان گفت که وزن رباعی که ریشه در شعر فارسی کهن حتی قبل از اسلام دارد، نشانه هایی از این تحول در لاسکوی قابل مشاهده است.

روش ابن فرخان در تقطیع وزن رباعی، همان است که امروزه در عروض جدید در نزد ابوالحسن نجفی می بینیم که ابن فرخان تصریح می کند که دیگر رباعی را بر هزج اخرب (مفعولٌ مفاعیلٌ مفاعیلٌ فعلٌ) تقطیع می کنند و او بر رجز مکفوف (مستفعلٌ مستفعلٌ مستفعلٌ مُس). از سوی دیگر در تمامی مصراع های رباعی، در رکن سوم، تسکین رخ داده است که ابن فرخان آن را به

صورت «مستفعل» نشان می‌دهد و در عروض جدید به صورت «مفعولن» نمایش داده می‌شود و اگر بر اساس هزج اخرب تقطیع شود، به صورت «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلن فع» در می‌آید که در عروض سنتی رکن‌بندی آشنایی است و برخی از عروضیان وزن اصلی رباعی را همین رکن‌بندی می‌دانند.

حال بینیم که بدون اعمال تضعیف (تشدید) و اختلاس (تلفظ ربوده)، وزن شعر با تلفظ عادی کلمات به چه صورتی می‌توانسته است باشد:

| فَلَكٌ رَجَهٌ عَيْنٌ كُجَهٌ سَيَاٌ وَأَسِيئَه |    |      |    |    |      |    |    |    |     |      |     | جَه كَرْدَمَه كَ هَرَج سَيَاوَه مِئَه |          |    |      |    |    |    |    |     |     |     |    |
|-----------------------------------------------|----|------|----|----|------|----|----|----|-----|------|-----|---------------------------------------|----------|----|------|----|----|----|----|-----|-----|-----|----|
| مصرع اول                                      | فَ | لَكْ | رَ | جَ | اِیْ | كُ | جَ | سِ | یَا | وُسْ | بِی | ءِ                                    | مصرع دوم | جَ | كِرْ | دُ | مَ | كُ | سِ | یَا | وَه | مِی | ءِ |
|                                               | و  | -    | و  | و  | -    | و  | و  | و  | -   | -    | -   | -                                     |          | و  | -    | و  | و  | -  | -  | و   | -   | -   | -  |

این بیت هر چند با وزن رباعی تفاوت‌هایی دارد، به طوری که در چهار مورد که باید هجای بلند بیاید کوتاه آمده است (موارد با قلم قرمز مشخص شده است) ولی از نظر تعداد هجا مشکل ندارد و با رباعی هم‌خوانی دارد.

تقطیع هجایی مصرع دوم بر اساس تلفظ عادی:

| اَنْدَوَه دُوَه بِي هَر دُو اَنْدَوَه رَوِيئَه |      |    |    |    |     |     |     |    |      |    |     |    |     | هَمْ لَاسَكْ اَوِي هَمْ وَشْ وَبِلْ اَوِيئَه |      |      |    |    |    |     |     |     |    |      |    |     |    |     |    |
|------------------------------------------------|------|----|----|----|-----|-----|-----|----|------|----|-----|----|-----|----------------------------------------------|------|------|----|----|----|-----|-----|-----|----|------|----|-----|----|-----|----|
| مصرع                                           | اَنْ | دو | ه  | دُ | اِه | بِی | هَر | دُ | اَنْ | دو | ه   | ر  | وِی | ءِ                                           | مصرع | اَنْ | دو | ه  | دُ | اِه | بِی | هَر | دُ | اَنْ | دو | ه   | ر  | وِی | ءِ |
| اول                                            | -    | -  | و  | و  | -   | و   | -   | و  | -    | -  | و   | و  | -   | -                                            | اول  | -    | -  | و  | و  | -   | و   | -   | و  | -    | -  | و   | و  | -   | -  |
| مصرع                                           | هم   | لا | سَ | كُ | وِی | هم  | وِ  | شُ | وِی  | لَ | وِی | اه |     |                                              | مصرع | هم   | لا | سَ | كُ | وِی | هم  | وِ  | شُ | وِی  | لَ | وِی | اه |     |    |
| دوم                                            | -    | -  | و  | و  | -   | -   | و   | و  | -    | -  | و   | و  | -   | -                                            | دوم  | -    | -  | و  | و  | -   | -   | و   | و  | -    | -  | و   | و  | -   | -  |

در این بیت نیز، مصرع اول بیانگر الگوی هجایی دیگر رباعی (مستفعلُ فاعلات...) است که اشکال بزرگ آن، این است که در پایان یک هجا بیشتر دارد. رکن سوم از مصرع دوم نیز که یا باید مستفعلُ و یا مفعولن (اختیار تسکین) باشد، اشکال دارد و با قواعد عروض قابل توجه نیست. بنابراین ملاحظه می‌شود که با این تقطیع، وزنی که منطبق بر وزن رباعی باشد و با قواعد اختیار

شاعری توجیه‌پذیر باشد، به دست نمی‌آید. از آنجا که ابن فرخان، کوشیده است این شعر را بر اساس وزن عروضی بخواند، به ناچار به تضعیف و اختلاس دست یازیده است. هر چند او متوجه این تفاوت‌های هجایی در اشعار عامیانه که او آن‌ها را اشعار غیر دری خوانده، بوده است و اذعان می‌دارد که در این اشعار تداخل رکن‌ها و کاربرد زحافات متعدد دیده می‌شود که فراتر از وزن شعر فارسی دری است و حتی از زحافات شعر عربی را نیز بیشتر است (ابن الفرخان، ۲۰۲۳: ۳۴۱). البته نباید فراموش کرد که عروضیان گذشته معمولاً ضرورت‌های وزنی که امروزه از آن به «اشباع مصوت کوتاه و تبدیل هجای کوتاه به بلند» تعبیر می‌شود، با مشدد کردن صامت بعدی نمایش می‌دادند و این امر تنها مرتبط به شیوه تقطیع بوده است نه این که این ضرورت‌ها با تشدید ادا می‌شده‌اند. به طوری که در این شاهد به جز «فلک»، موارد دیگر تشدید با همین قاعده قابل توجیه است. به طور مثال در مصراع دوم بیت اول در عبارت: «چه کردم که هر» در موارد مشخص شده به هجای بلند نیاز است و به جای مشدد کردن صامت بعدی، مصوت کوتاه پایان کلمه را با اشباع تلفظ نمود، تا چه (ē) و که (kē) هجای بلند محسوب شود. اما این که این قاعده چقدر در شعر غیر دری هم کاربرد داشته، نیازمند بررسی بیشتر است.

در پایان پس از بیان نظرات ابن فرخان، بهتر است به سخن خواجه نصیر باز گردیم که در ابتدای این جستار آورده شد: «و به اتفاق وزن از فصول ذاتی شعر است، الا آن که هیأتی باشد که تناسب آن تام نباشد و نزدیک باشد به تام؛ مانند اوزان خسروانیه و بعضی لاسکویها. و شاید که بعضی امم آن را به سبب مشابهت از اوزان شعر شمرند و بعضی به سبب عدم تناسب حقیقی نشمرند» (خواجه نصیر، ۱۳۹۳: ۸). حال پس از تقطیع لاسکوی مبتنی بر قرائت عادی کلمات، این شعر مصداقی از سخن خواجه خواهد بود که تناسب وزنی آن تام نیست و نزدیک است به تام. بر این اساس وزن این لاسکوی‌ها منطبق بر عروض کمی نیست، اما نزدیک به آن است، هر چند ابن فرخان تلاش کرد مانند شمس قیس این شعر را با قوانین وزن کمی تقطیع کرده و وزن آن را تعیین نماید.

## ۵. تفاوت لاسکوی و فهلوی

بر خلاف فهلویات که نمونه‌های متعددی از آن در دسترس قرار دارد، در حال حاضر جز این دو شاهد برای لاسکوی، چیزی در دست نیست، به همین دلیل نمی‌توان دربارهٔ لاسکوی آرای متقن و محکمی ارائه کرد و سیر تحول آن را بررسی نمود.

شمس قیس در چند جا از شعر ملحون یاد می‌کند که در کل دو نوع را شامل می‌شود: یکی فهلویات است که به تفصیل به آن پرداخته و نمونه‌هایی را به همراه تقطیع عروض آورده و کوشیده اختلافات عروضی آن‌ها را با وزن نزدیک به آن یعنی «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۱۰-۱۰۶، ۱۷۲-۱۷۶؛ نیز نک: خواجه نصیر، ۱۳۹۳: ۱۰۲) و یا «فاع لاتن مفاعیلن فعولن» (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۱۷۲-۱۷۶) مشخص کند. دو این که هر چند در کتاب المعجم اصطلاح لاسکوی نیامده است، اما شمس قیس در مبحثی که دربارهٔ اختراع یا کشف وزن رباعی صحبت می‌کند، مطلبی را می‌آورد که احتمالاً می‌تواند مرتبط لاسکوی باشد. او از رباعی که ملحون باشد با نام ترانه یاد می‌کند:

«به حقیقت هیچ وزن از اوزان مبتدع و اشعار مخترع که بعد از خلیل [نسخه بدل: ذ: که پیش از خلیل و بعد از او] احداث کرده‌اند به دل نزدیک‌تر و در طبع آویزنده‌تر از این نیست، و به حکم آن که ارباب صناعت موسیقی بر این وزن الحان شریف ساخته‌اند و طرق لطیف تألیف کرده و عادت چنان رفته است که هر چه از آن جنس بر ابیات تازی سازند آن را قول خوانند و هر چه مقطعات پارسی باشد آن را غزل خوانند، اهل دانش ملحونات این وزن را ترانه نام کرده‌اند و شعر مجرد آن را دوبیتی خواندند، برای آن که بناء آن بر دو بیت بیش نیست و مستعربه آن را رباعی خوانند» (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۱۴۴-۱۵۵).

نام تصنیف مبتنی بر شعر رباعی در المعجم

| زبان:            | عربی       | پارسی درسی | ملحونات        |
|------------------|------------|------------|----------------|
| نام (ص ۱۱۴-۱۱۵): | قول        | غزل        | ترانه          |
| جمع (ص ۱۷۳):     | اقوال عربی | اغزال دری  | ترانه‌های معجز |

نکته قابل توجه آن است که شمس قیس برای رباعی هم شعر ملحون قائل است و به آن «ترانه» اطلاق کرده است. هر چند ترانه گاهی همان معادل رباعی به کار می‌رود، ولی علاوه بر شمس قیس، در مطالبی که از ابن فرخان آمد، معلوم می‌شود که او هنگام ذکر لاسکوی آن را ترانه نامیده است.

با آن که شمس قیس اشعار ملحون را پر از اشکال عروضی می‌داند، ولی اعتراف می‌کند که «از عالم و عامی و شریف و ضعیف به انشا و انشاد فهلوی مشعوف یافتیم و به اصغا و استماع ملحونات آن مولع دیدم» (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۱۷۳). همچنین باید دانست شعر کمی فارسی در مراعات ترتیب و تعداد کمیت هجاها بسیار سخت گیر و حتی از شعر عربی هم سخت گیرتر است و در مقایسه با شعر عربی، اختیارات شاعری اندکی را می‌پذیرد، این در حالی است که اشعار ملحون، خواه فهلوی و خواه ترانه، از منظر عروض کمی تقطیع شود، اختلافات زیادی میان وزن معیار و وزن‌های به کار رفته در هر مصراع، دیده می‌شود که باید نسبت به آن‌ها حکم به خروج از وزن داد، ولی چگونه بوده است که ذوق فارسی زبانان این نوع شعرها را با این همه خروج از وزن و اختلافات وزنی (البته از منظر عروض کمی) احساس نمی‌کرده و به آن‌ها مولع بوده‌اند؟ به نظر می‌رسد این امر بیانگر آن است که حتی در قرن‌های ششم و هفتم که شعر کمی در ابیات نوشتاری عرصه را بر هر نوع شعر دیگری تنگ کرده بوده است، گوش ایرانیان همچنان در این اشعار غیر دری، وزن را احساس کرده و با آن به وجد می‌آمده‌اند که کمتر از شعر عروضی نبوده است.

هر چند ممکن است تصور شود که با توجه به پیوند میان موسیقی ایرانی با این نوع اشعار، موسیقی ناهمواری‌های وزنی آن را پوشش می‌داده است که نقاط خروج از وزن در گوش شنونده احساس نشود، اما به نظر می‌رسد که گوش ایرانیان اعم از عالم و عامی این نوع شعر را در ذات خود موزون می‌یافته‌اند که موزونیت آن تلفیقی از وزن کمی و غیر کمی (اعم از هجایی و تکیه‌ای) بوده است.

طیب‌زاده در ضمن مقاله‌ای با عنوان «منشأ وزن رباعی در اشعار عامیانه و شفاهی ایران»، پس از بررسی نظرات مختلف در خصوص منشأ وزن رباعی که قریب به اتفاق صاحب‌نظران آن را ایرانی می‌دانند که ریشه در وزن اشعار پیش از اسلام دارد، بر این باور است که منشأ وزن رباعی، اشعار تکیه‌ای محلی و عامیانه فارسی است که به صورت شفاهی رایج بوده است (طیب‌زاده، ۱۳۹۹: ۲۵۸-۲۵۹). این دو نمونه بارز از این نوع شعر است که قدمت آن‌ها حداقل به قرن ششم می‌رسد و یکی از آن‌ها با دقت تمام ثبت شده و به دست ما رسیده است و می‌تواند در مطالعه تاریخی وزن رباعی بسیار مفید فایده باشد.

اخوان ثالث نیز در جایی تعبیر صمیمانه‌تری دارد که مناسب با ویژگی رباعی ملحون است: «می‌دانیم که اوزان ترانه‌ها [به طور کلی منظور اشعار عامیانه است] با اوزان عروضی متفاوت است و دارای حالتی است انگار معلق و بینابین اوزان هجایی و عروضی، با خصلتی خاص خود ترانه‌ها» (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۲۰۲).

## ۶. نتیجه‌گیری

بنا بر مباحث مطرح شده با تکیه بر منابع مختلف و با تکیه بر دو شاهد به دست آمده از لاسکوی، به ویژه کتاب *الابداع* ابن فرخان نتایج زیر به دست می‌آید:

- بر اساس اغلب فرهنگ‌های لغت و نسخه‌های معیار *الاشعار* و شاهد شعری منوچهری و از همه مهم‌تر *الابداع*، تلفظ واژه لاسکوی (سین و کاف مفتوح «*dāsakavi*») است و به هیچ وجه تلفظ لاسکوی (*lāskūy*) صحیح نیست.

- معلوم شد که کلمه لاسکوی از نظر لغوی، در اصل ریشه طبری دارد که معنای آن «جامه ضایع» است و نوعی شعر محسوب می‌شده است و در *الابداع* هیچ اشاره‌ای به معنای دیگر اعم از نام پرنده یا پرده موسیقی نشده است. اما بر اساس شعر منوچهری و کتاب *سمک عیار* نام نغمه یا پرده موسیقایی بوده است.

- همچنین با احتیاط می‌توان به این نتیجه کلی رسید که شعر لاسکوی بر دو بیت سروده می‌شده

و از نوع رباعی ملحون (ترانه) بوده که آرایش قافیه آن مانند رباعی است و اگر مخصوص گویش طبری نبوده باشد، بر گویش طبری نیز سروده می شده و در میانه راه تحول رباعی از عامیانه به فصیح و از وزن تکیه ای یا هجایی (۹) به وزن عروضی بوده است.

## منابع

- آبادیان، راضیه (۱۳۹۷). «در باب چند اصطلاح موسیقایی در دیوان منوچهری». پژوهش های ایران شناسی. سال ۸ ش ۱. صص ۱-۱۶.
- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۳۹). «خبروانی و لاسکوی». مجله نیما. سال سیزدهم. ش ۱۰. صص ۴۹۹-۵۰۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹). بدایع و بدعت ها و عطا و لقای نیما پوشیج. تهران: انتشارات بزرگمهر.
- انجو شیرازی، میر جمال الدین حسین بن حسن (۱۳۵۱). فرهنگ جهانگیری. ویراسته رحیم عقیقی. ج ۱. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- ابن الفرخان، جمال الدین أبوسعده علی بن مسعود (قرن ۶). الإبداع فی العروض. نسخه خطی شماره ۴۱۰۵. کتابخانه نور عثمانیه.
- \_\_\_\_\_ (۲۰۲۳). الإبداع فی العروض. تحقیق عمر خلوف. ط ۱. استانبول: دار اللباب.
- برهان، محمد حسین بن خلف تبریزی (۱۳۴۲). برهان قاطع. به اهتمام محمد معین، ج ۲. ج ۲ و ۳. تهران: کتابفروشی ابن سینا.
- بیان الحق النیشابوری، ابوالقاسم محمود بن ابوالحسن بن حسین (۱۰۷۴ق). خلق الإنسان (نسخه خطی). کتابخانه مجلس. ش. ۱۰۱۳۶. کاتب محمد تقی بن جواد کاظمی. ۳۵۴ برگ.
- حکیم، سید محمد حسین (۱۳۹۸). «ابیات فارسی در مجالس تفسیر قرآن در آغاز قرن ششم هجری در نیشابور: پژوهشی در کتاب خلق الانسان تألیف بیان الحق نیشابوری». گزارش میراث. دوره سوم. ضمیمه ش ۷۸-۷۹. صص ۱-۱۲۰.
- خواجه نصیر الدین طوسی، محمد (۱۳۹۳). معیار الاشعار. مقدمه و تصحیح و تعلیقات علی اصغر قهرمانی مقبل. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۴ق). معیار الاشعار (نسخه خطی). استانبول: کتابخانه احمد ثالث. ش ۳۴۵۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰ق). معیار الاشعار (نسخه خطی). استانبول: کتابخانه فاتح. ش ۲۳۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰ق). معیار الاشعار (نسخه خطی). قم: کتابخانه مرعشی نجفی. ش ۱۲۴۱۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰ق). معیار الاشعار (نسخه خطی). استانبول: کتابخانه احمد ثالث. ش ۱۶۴۶.

- \_\_\_\_\_ (قرن ۸ ق؟). معیار الاشعار (نسخه خطی). تهران: کتابخانه مجلس. ۳۹۸۷.
- \_\_\_\_\_ (۷۱۶ق). معیار الاشعار (نسخه خطی). تهران: کتابخانه دانشگاه تهران. ش ۱۳۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۰۲۹ق). معیار الاشعار (نسخه خطی). مشهد: کتابخانه جامع گهرشاد. ش ۱۶۲۹.
- \_\_\_\_\_ (قرن ۱۱ ق). معیار الاشعار (نسخه خطی). مشهد: کتابخانه دانشگاه تهران. ش ۳۴۱۷۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۰ق). معیار الاشعار (چاپ سنگی نسخه نجم الدوله). ضمیمه: اقبالی، معظمه (۱۳۷۹). شعر و شاعری در آثار خواجه نصیرالدین طوسی. ج ۲. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه. چاپ اول از دوره جدید. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. دوره ۱۴ جلدی. رشیدی، عبدالرشید الحسینی المدنی التتوی (بی تا). فرهنگ رشیدی. تصحیح محمد عباسی. ج ۲. تهران: کتابفروشی بارانی.
- شاد، محمد پاشاه (بی تا). فرهنگ آندراج. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. ج ۵. تهران: انتشارات خیام.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۹). «منشأ وزن رباعی در اشعار عامیانه و شفاهی ایران». مجله فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۸ ش ۳۵. صص ۲۵۱-۲۶۶.
- فرامرز بن خداداد الأرجانی (۱۳۵۳). سمک عیار. تصحیح پرویز ناتل خانلری. ج ۵. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ماهیار، عباس؛ جمالی، شهروز (۱۳۸۹). «معرفی و بررسی دو رساله عروض فارسی در سقینه تبریز». بهار سخن. ش ۱۶. صص ۱۲۹-۱۴۸.
- محمدی، میثم (۱۴۰۳). «دوبیتی طبری در کتاب الابداع فی العروض ابن فرخان». کانال تلگرامی فقه اللغة (<https://t.me/feqholloqa>). صص ۱-۶.
- مرادآبادی، مفتی محمد سعدالله (۱۲۸۲ق). میزان الافکار: شرح معیار الاشعار. (چاپ سنگی). لکنهو.
- معین، محمد (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی. ج ۷. ج ۳. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- منوچهری دامغانی (۱۳۳۸). دیوان. به کوشش محمد دبیرسیاقی. ج ۲. تهران: انتشارات زوار.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). دیوان. تصحیح مجدد محمد دبیرسیاقی. ج ۲. تهران: انتشارات زوار.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳). دیوان. تصحیح راضیه آبادیان. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۳۷). «شعر - وزن - قافیه». سخن. دوره ۹. ش ۲. صص ۹۷-۱۰۱.
- ناظم الاطباء، علی اکبر نفیسی (۱۳۵۵). فرهنگ نفیسی. ج ۴. تهران: کتابفروشی خیام.

## References

- Abadian, Razieh. (2018). "About a few Musical Terms in the Manoocheir's Divan". *Iranian Studies Research*, 8 (1), 1–16.
- Akhavan-Sales, Mehdi. (1960). "Khosravani and Lāsakavi [Khosravānī va Lāsakavī]". *Yaghmā Journal*, 13 (10), 499–505.
- , (1990). *Innovations and gifts of Nima Yushij* [Badāye' va beda'athā va 'atā va laqā-ye Nima Yushij]. Tehran: Bozorgmehr.
- Hakim, Seyyed Mohammad Hossein. (2019). "Persian verse quotatios in Quran commentary sessions in early 6<sup>th</sup>12<sup>th</sup> century Nayshāpūr: A study of *Khalq al-Insān* written by Bayān al-Haq Nayshābūrī". *Gozarash-e Mirast*, 3 (Suppl. 78–79), 1–120.
- Tabibzadeh, Omid. (2020). "The Origin of Rubayi Meters in Folk and Oral Poetries of Iran". *Culture and Folk Literature*, 8(35), 251-266.
- Arrajānī, Farāmarz ibn Khodādād. (1974). *Samak-e 'Ayyār*. (P. N. Khanlari, Ed., Vol. 5). Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran Publications.
- Bayān al-Haqq Neyshābūrī, Abu al-Qāsim Maḥmūd ibn Abi al-Hasan ibn Ḥossein. (1663). *The creation of man* [Khalq al-Insān]. [Manuscript]. Tehran: Library, Museum and Document Center of IRAN Parliament. No. 10136.
- Borhān, Muḥammad Ḥuseyn in Khalaf Tabrizī. (1963). *Burhān-i Qatī'* (M. Moī'n, Ed.; 2nd ed., Vols. 2-3). Tehran: Ibn Sina Bookstore.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1994). *Dehkhoda dictionary* [Loghatnāme]. 1st ed., Vol. 1–14. University of Tehran Press.
- Ibn al-Farkhān, Jamāl al-Dīn Abū Sa'īd 'Alī ibn Mas'ūd. (12th century). *Innovation in prosody* [Al-Ibdā' fī al-'Arūd]. (Manuscript No. 4105). Nuruosmaniye Library.
- Ibn al-Farkhān, Jamāl al-Dīn Abū Sa'īd 'Alī ibn Mas'ūd. (2023). *Innovation in prosody* [Al-Ibdā' fī al-'Arūd]. ('Umar Khallūf, Ed.). Istanbul: Dār al-Lubāb.
- Mahyar, Abbas, & Jamali, Shahrooz. (2010). "Introduction and analysis of two Persian prosody treatises in the Safina-ye Tabriz". *Bahār-e Sokhan*, 16, 129–148.
- Natel-Khanlari, Parviz. (1958). "Poetry, meter, rhyme [She'r, vazn, qāfiye]". *Sokhan*, 9 (2), 97–101.
- Anju-Shīrāzī, Mīr Jamāl al-Dīn Ḥossein ibn Ḥasan. (1972). *Jahāngīrī dictionary* [Farhang-e Jahāngīrī] (Rahim Afīfī, Ed., Vol. 1). Mashhad: Mashhad University Press.
- Manūchehrī Dāmghānī. (1959). *Divan-e Manūchehrī Dāmghānī*. (M. Dabirsiaqi, Ed., 2nd ed.). Tehran: Zovvar.
- Mohammadi, Meysam. (2024). [Tabari do-bayti in Ibn Farkhān's Al-Ibdā' fī al-'Arūd"] [Dobayti-ye Tabarī dar ketāb-e Al-Ibdā' fī al-'Arūd Ibn Farrukhān]. *Feqh al-Lugha Telegram Channel*, 1–6. <https://t.me/feqholloqa>
- Mo'in, Muḥammad. (1985). *Persian dictionary* [Farhang-e Farsi] (7th ed., Vol. 3). Tehran: Amir Kabir.
- , (1996). *Divan-e Manūchehrī Dāmghānī*. (M. Dabirsiaqi, Ed., 2nd ed.). Tehran: Zovvar.
- , (2024). *Divan-e Manūchehrī Dāmghānī*. (R. Abadian, Ed.). Bonyad-e Moqoofat-e Dr. Mahmoud Afshar.
- Murādābādī, Muftī Muḥammad Sa'd Allāh. (1865). *Mīzān al-afkār: Sharh-e Me'yar al-*

*ash'ar*. Lucknow.

- Naṣīr al-Dīn Tūsī. (2014). *Mi'yār al-ash'ār*. (A. A. Ghahramani Moghbel, Ed.). Tehran: Markaz-e Nashr-e Daneshgahi.
- (664 AH). *Mi'yār al-Ash'ār* [Manuscript]. Ahmad III Library, No. 3455.
- (670 AH). *Mi'yār al-Ash'ār* [Manuscript]. Istanbul: Fatih Library, No. 239.
- (670 AH). *Mi'yār al-Ash'ār* [Manuscript]. Qom: Mar'ashi Najafi Library, No. 12412.
- (702 AH). *Mi'yār al-Ash'ār* [Manuscript]. Istanbul: Ahmad III Library, No. 1646.
- (8th century AH?). *Mi'yār al-Ash'ār* [Manuscript]. Tehran: Library, Museum and Document Center of IRAN Parliament. No. 3987.
- (716 AH). *Mi'yār al-Ash'ār* [Manuscript]. Tehran: University of Tehran Library, No. 138.
- (1029 AH). *Mi'yār al-Ash'ār* [Manuscript]. Mashhad: Goharshad Mosque Library, No. 1629.
- (11th century AH). *Mi'yār al-Ash'ār* [Manuscript]. Tehran: University of Tehran Library, No. 34174.
- (1320 AH). *Mi'yar al-Ash'ar* (Najm al-Dawlah's lithograph ed.). Appendix in: Iqbālī, Mo'zzameh. (2000). *Poetry and Poetics in the Works of Khwajah Nasir al-Din Tusi* (2nd ed.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications.
- Nāzem al-Atebbā, 'Alī Akbar Nafisi, (1976). *Nafisi's dictionary* [Farhang-e Nafisi] (Vol. 4). Tehran: Khayyam Bookstore.
- Rashīdī, Abd al-Rashīd al-Husaynī al-Madanī al-Tattawī. (n.d.). *Rashidi's dictionary* [Farhang-e Rashīdī] (M. Abbasi, Ed., Vol. 2). Tehran: Barani Bookstore.
- Shād, Muḥammad Pāshā. (n.d.). *Anandaraj dictionary* [Farhang-e Anandaraj] (M. Dabirsiaqi, Ed., Vol. 5). Tehran: Khayyam Publications.